

پاکستان مدعی تغییر رفتار اسلام‌آباد و بازیگر این روزهای افغانستان شد؛

# فریبکاری برای عبور ایمن از دوگانگی طالبان



شیراز گلزاری

از زمانی که جو بایدن، رئیس‌جمهوری ایالات متحده اعلام کرد که این کشور بنا دارد تا سپتامبر ۲۰۲۱ تمام سربازانش را از افغانستان خارج کند، اتفاقاتی در این کشور بروز و ظهور کرد که نه تنها نشان داد واشنگتن هیچ اهمیتی برای همسایه شرقی ایران قائل نیست، بلکه به گواه اسناد و تحولاتی که ظرف یک ماه گذشته آن را مشاهده کردیم، آمریکایی‌ها اساساً در حال طرح ریزی سناریویی هستند که تاوان آن را باید کشورهای منطقه بدهند. همین چند روز پیش بود که جو بایدن در حاشیه سالروز استقلال آمریکا در پاسخ به خبرنگار آسوشیتدپرس موضعی را اتخاذ کرد که جهان را در فکر فرو برد. خبرنگار آسوشیتدپرس از بایدن پرسید که آمریکا چه برنامه‌ای در مورد افغانستان دارد، و ساکن کاخ سفید در کمال خونسردی اعلام کرد: «افغانستان دیگر مهم نیست.» این موضع بایدن اگر چه موجب شد میلیون‌ها نفر از شهروندان

افغانستان یکباره از درون فرو بریزند، اما به خوبی نشان داد که واشنگتن پس از ۲۰ سال حلالا به دنبال آن است تا به هر طریقی که می‌تواند از طولانی‌ترین جنگ تاریخ آمریکا بیرون بیاید. اینکه بایدن به دنبال پایان دادن به حضور دو دهه‌ای آمریکا در افغانستان است، موضوعی است که ریشه آن را باید در شعارهای انتخاباتی‌اش دنبال کرد؛ چرا که او در کمپین تبلیغاتی خود صریحاً به تمام دنیا اعلام کرد که در صورت پیروزی در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۲۱، نیروهای آمریکایی را به خانه برمی‌گرداند و این اتفاق حالا رخ داده است.

آنگونه که تحلیلگران ان.بی.سی نیز در تحلیل اخیر خود نوشته‌اند، آمریکا با خروج بی‌سر و صدا از افغانستان صرفاً به دنبال آن بود که حرف بایدن را عملیاتی کند تا او پس از گذشت شش ماه از آغاز به کار دولتش، یک پیروزی «صرفاً سیاسی» را در کارنامه خود ثبت و ضبط کند. اگر فرض را بر این بگذاریم که ایالات متحده در این پرونده پیروز میدان بوده است، باید بپذیریم که ساختار سیاسی - امنیتی آمریکا که متشکل از چهار

پایه اصلی (پنتاگون، سازمان سیا، وزارت خارجه و کاخ سفید) و یک پایه استراتژیک (وزارت خزانه‌داری) است، در فاز بعدی و به خصوص در پشت پرده به دنبال آن است تا بتواند در فاز نخست به کشورهایی مانند چین، ایران و روسیه هزینه تحمیل کند و در فاز دوم جایگزینی برای خود در افغانستان بیابد. در این فاز اول بدون شک چین و روسیه در کنار ایران متحمل هزینه‌های امنیتی، سیاسی و حتی اقتصادی می‌شوند. در حوزه اقتصادی همین بس که آمریکایی‌ها با خروج خود از افغانستان طرح یک کمربند - یک جاده چین را با چالش‌های میدانی روبرو می‌کنند. در مورد روسیه هم شاهد آن هستیم که با پیشروی طالبان و تشنج در مرزهای افغانستان و جمهوری‌های جداشده از شوروی سابق؛ مسکو مجبور شده تا نیروهای مشترک خود با این کشورها را به مرزهای افغانستان با تاجیکستان، قزاقستان، ترکمنستان و قرقیزستان اعزام کند که این به معنای تحمیل هزینه نظامی بر روسیه است. در مورد ایران هم بحث نزاع سیاسی تهران با مقامات کابل شروع شده و از سوی

دیگر طالبان به دلیل سیالی بودن رفتارشان، تهدیدی برای مرزهای شرقی ایران به شمار می‌آید. **اسلام‌آباد این روزها در پوست خود نمی‌گنجد** با گذر از مباحثی که مطرح شد، یکی از بازیگرانی که این روزها سعی می‌کند خود را چندان فعال و خوشحال نشان ندهد، پاکستان است. بدون تردید هم‌اکنون مقامات اسلام‌آباد با دیدن صحنه‌هایی از سقوط شهرهای افغانستان و پیشروی طالبان، در پوست خود نمی‌گنجد؛ چراکه این کشور از سال ۱۹۴۷ میلادی که از هند جدا شد و اعلام استقلال کرد، به

صورت کاملاً خزننده سعی کرد تا در افغانستان ریشه بدواند. مخاطبان شاید با خواندن این متون تعجب کنند یا آن را بزرگنمایی تلقی کنند اما یک حساب سرانگشتی به ما می‌فهماند که چرا پاکستان را باید مداخله‌گر جدی و اثرگذار در افغانستان دانست. اولین اقدام که پاکستان پس از استقلال خود کرد این بود که سرویس اطلاعات خارجی‌اش با نام ISI (Inter Services Intelligence) در سال ۱۹۴۸ میلادی راه‌اندازی کرد که زیر نظر ارتش این کشور فعالیت می‌کند. آنها معتقد بودند که افغانستان بر اساس نزدیک بودن ایدئولوژی این کشور به اسلام‌آباد، به عنوان عمق استراتژیک پاکستان معنا پیدا می‌کند و چندی بعد این پاکستانی‌ها بودند که با همکاری و هماهنگی ایالات متحده طالبان را سر و شکل دادند. پاکستان در طول این سال‌ها همواره در ارتباط مستقیم با طالبان بوده است. علاوه بر آموزش‌های اقتصادی که کادر مرکزی طالبان در مدارس حقانی پیشاور دیده‌اند، این کشور تا همین امروز و لحظه نگارش این گزارش، تامین تسلیحات، لجستیک و حتی اطلاعات میدانی طالبان را به عهده دارد. فزارغ از این مسأله اعضای خانواده بسیاری از مقامات طالبان در پاکستان تحصیل کرده‌اند و اتفاقاً در این کشور سکونت دارند. اینکه روز گذشته (دوشنبه) شیخ راشد، وزیر کشور پاکستان در گفت‌وگو با پایگاه خبری نیوز اعلام می‌کند که طالبان تغییر کرده و دیگر همانند گذشته نیست، موضوعی است که به خوبی نشان می‌دهد اسلام‌آباد نه تنها در رفتارش دچار پارادوکس شده، بلکه این کشور از حالا به دنبال طراحی نقشه راه جدید برای افغانستان است. دروغ دیگر وزیر کشور پاکستان این است که او اعلام کرده ابتکار عمل مذاکرات با طالبان افغانستان نه فقط برای پاکستان بلکه برای تمام منطقه مهم است. این مواضع به این جهت با تحولات سیاسی و میدانی در تضاد است که اولاً طالبان با چراغ

**پاکستان در طول مذاکرات دوحه نه تنها تیم طالبان را رهبری می‌کرد، بلکه شخصی مانند ملا عبدالغنی برادر که حالا رئیس دفتر دوحه است را از فوق‌امینتی‌ترین زندان آی.اس.آی آزاد کرد تا در لباس مذاکره‌کننده پای میز بنشیند**

سبز پاکستان در حال فتح ولایات افغانستان است. ثانیاً، پاکستان در تمام مدتی که مذاکرات دوحه میان طالبان و آمریکایی‌ها در جریان بود نه تنها تیم طالبان و دفتر دوحه را از دور و به صورت پنهان رهبری می‌کرد، بلکه شخصی مانند ملا عبدالغنی برادر را که حالا رئیس دفتر دوحه است و قرارداد صلح با زلمی خلیل‌زاد را امضا کرد، با چراغ سبز واشنگتن از فوق‌امینتی‌ترین زندان آی.اس.آی آزاد کرد تا در لباس مذاکره‌کننده ارشد راهی دوحه و به تامین منافع اسلام‌آباد مشغول شود.

از سوی دیگر باید توجه داشت افرادی مانند ملاخیرالله خیرخواه و حدود ۶ نفر دیگر که حلالاً در تیم مذاکراتی طالبان حضور دارند، با همکاری سرویس اطلاعاتی پاکستان در سال ۲۰۰۲ میلادی توسط نیروهای ویژه آمریکا در خاک افغانستان دستگیر و به گوانتانامو فرستاده شدند. در سال ۲۰۱۸ هم این افرادی که در گوانتانامو تحت بازجویی و شکنجه آمریکایی‌ها بودند، به دستور سازمان سیا آزاد شدند و در پشت میز مذاکره با خلیل‌زاد نشستند. در تمام این مدت پاکستان نه تنها از این روند اطلاع داشت بلکه بخشی از این فرآیند را رهبری می‌کرد. حالا هم اسلام‌آباد مدعی تغییر رفتار جریانی است که دهه‌ها آن را تربیت و رهبری کرده است و اینجاست که پارادوکس است و دودوزه بازی «پاکی‌ها» عیان می‌شود.

مدیر کل پیشین خاورمیانه وزارت خارجه: **آمریکا در حال تغییر ساختار نظامی خود در خاورمیانه است** مدیر کل پیشین خاورمیانه وزارت خارجه در تشریح دلایل شکل‌گیری طرح جدید آمریکا برای تشکیل یگانی مرکب از ارتش عراق و پیشمرگه‌های کرد در گفت‌وگو با اپلنا اظهار کرد: قبل از هر چیز باید بدانیم که آمریکا در حال تغییر ساختار خود در خاورمیانه است و قصد دارد آنچه که در منطقه جریان است را دنبال آن است تا با اجرای این راهبر، صرفاً خودش به مدیریت بحران از طریق هوا-زمین بپردازد؛ به این معنی که آنها به دنبال این هستند تا روی زمین نیروهای محلی را دور یکنیگر جمع کرده و آنها را آموزش دهند و در نهایت خودشان از آسمان همه چیز را نظاره کنند. به همین جهت واشنگتن سعی می‌کند در پوشش‌های جدید اعم از ائتلاف بین‌المللی ضد داعش و سایر اسامی دیگر، نیروها و یگان‌های جدیدی را روی زمین شکل دهد.

«قاسم محبعلی» ادامه داد: باید متوجه باشیم که واشنگتن تهدید اصلی خودش در منطقه را نیروهای هماهنگ و همسو با ایران می‌داند و بر این اساس با تشکیل یگان‌های جدید در عراق به دنبال آن است تا پیام تهدید خود را مخابره کند. اینکه دیده می‌شود آمریکایی‌ها در پوشش ائتلاف ضد داعش در حال تشکیل یگان‌هایی متشکل از ارتش عراق و پیشمرگه‌های اقلیم کردستان عراق و صرفاً مأموریت آنها را مبارزه با داعش اعلام می‌کند، به نوعی به ما این پیام مخابره می‌شود که ایالات متحده فارغ از اینکه دونالد ترامپ رئیس‌جمهور باشد یا جو بایدن، به هیچ وجه در مورد مناقش با هیچ جریانی سازش نخواهد کرد.

بر این اساس، تشکیل این یگان در عراق را در جهت بومی‌سازی جنگ می‌دانم تا ایالات متحده از این طریق بتواند اوضاع را به نفع خود کنترل و مدیریت کند. همانند چنین راهبردی را در افغانستان شاهد هستیم؛ آمریکایی‌ها پس از توافق با طالبان که از نظر آنها یک نیروی بومی به حساب می‌آید مقدمات خروج خود از این کشور را آرام آرام مهیا کردند و حالا با بومی‌سازی جنگ در حال خارج شدن از افغانستان هستند.



این کارشناس مسائل سیاسی تصریح کرد: مهمترین نکته که باید به آن اشاره کنم این است که تشکیل یک چنین یگانی آن هم برای تهدید منافع ایران و ضربه زدن به بازوهای تهران در منطقه صرفاً روی زمین پیگیری نمی‌شود، بلکه در پشت‌میز هم آمریکایی‌ها سعی می‌کنند تا از این ابزارها بتوانند به نفع خود استفاده کنند. توجه داشته باشید که مذاکرات ایران با اروپا و آمریکا در ژنو همچنان ادامه دارد و به نظر من ایالات متحده به دنبال آن است تا از طریق بومی‌سازی جنگ و جیش‌های جدید در منطقه در پشت میز مذاکره با ایران چانه‌زنی مختص به خود را جلو ببرد و در نهایت منافعی را کسب کند. طی روزهای گذشته به وضوح دیدیم که ایالات متحده نیروهایش را در سطح منطقه جابه‌جا کرد. از افغانستان که بگذریم، به یمن که آنها نیروهای خود را از قطر به کمی عقب‌تر یعنی در اردن منتقل کردند و در سایر کشورهای دیگر هم شاهد خروج سامانه‌های دفاعی آمریکا مانند پاتریوت و تاد هستیم.

محبعلی در پایان گفت: مجموع این جابه‌جایی‌ها نشان می‌دهد که واشنگتن سیاست جدیدی در قبال ایران و منطقه اتخاذ کرده است. اگر به اولویت‌های امنیت ملی آمریکا طی دهه‌ها قبل توجه کنیم می‌بینیم که دو موضوع برای آنها بیشترین اولویت را دارد؛ مسأله اول تامین امنیت اسرائیل است و مسأله دوم تامین امنیت منابع نفتی متحدان آمریکا در حاشیه خلیج فارس است. در مورد مسأله امنیت انرژی دولت‌های عربی باید بگویم که نفت خاورمیانه دیگر چندان برای آمریکا اهمیت ندارد اما در مورد اسرائیل آنها همچنان تامین امنیت تل‌آویو را اولویت خود می‌دانند.

## گاردین: داعش در حال احیای خود در قلب عراق است



یک رسانه انگلیسی اعلام کرد داعش، بار دیگر در حال سازماندهی خود در قلب عراق است. روزنامه گاردین در گزارشی نوشت که داعش چهار سال پس از آزادی موصل بار دیگر در قالب تیم‌های کوچک خودش را در قلب عراق سازماندهی کرده است و رهبران محلی را ترور کرده و نیروگاه‌های برق، تاسیسات نفتی و نقاط نظامی را هدف قرار می‌دهد. براساس این گزارش، امروز تعداد عناصر داعش بسیار کم‌تر از زمانی است که تسلط مناطق وسیعی از عراق را به دست گرفته بود. این عناصر به دلیل ویرانی‌هایی که در شهرهای تحت کنترلشان به بار آوردند اکنون از حمایت این شهرها و روستاها برخوردار نیستند و زندگی عشاير گونه‌ای دارند. گاردین نوشت: عناصر داعش در عراق به کوه‌ها و دره‌های متوسل شده‌اند، تا به دلیل کمبود منابع مالی در آنها پناه بگیرند و منتظر می‌مانند تا منابع و نیروی لازم در دسترس قرار بگیرند و پس از آن حمله را آغاز کنند. در همین حال، یک مقام امنیتی در کرکوک گفت: منطقه مثلث میان کرکوک، بیجی و سامراء برای داعش بسیار مهم است؛ چراکه این منطقه تپه‌ها و کوه‌ها را در مرکز عراق به شرق متصل کرده و مکان مناسبی برای پنهان شدن است.

## اعتراض کوبایی‌ها به شرایط بد اقتصادی و روند واکسیناسیون



هزاران معترض کوبایی در اعتراضی بی‌سابقه در خیابان‌های این کشور حضور یافتند و ناراضی خود را بابت شرایط بد اقتصادی، روند واکسیناسیون کرونا و بی‌اعتنایی دولت ابراز داشتند. به گزارش رویترز، میگوئل دیاز کانل، رئیس جمهوری کوبا که ریاست حزب کمونیست این کشور را نیز به دست دارد، در خطبه‌ای تلویزیونی، ایالات متحده را مقصر ناآرامی‌های کشور دانست. در جریان اعتراضات که از هاوانا تا سانتیاگو در جریان بود، جیب‌های نیروهای ویژه مسلح به سلاح خودکار نیز در پایتخت دیده شد و دیاز کانل از حامیانش خواست تا در مقابل تحریکات بایستند. هزاران تن از مردم کوبا در میان حضور گسترده پلیس در مرکز شهر هاوانا جمع شدند و تعداد کمی دستگیری و درگیری بین مردم و نیروهای پلیس رخ داد. یکی از خبرنگاران رویترز نیز شاهد استفاده پلیس از اسلحه

## دزگیری خونین میان فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها در جنین

منابع از درگیری شهروندان فلسطینی و نیروهای رژیم صهیونیستی طی صبح دیروز (دوشنبه) در «جنین» خبر دادند. به گزارش المیدان، در نتیجه درگیری‌های بین شهروندان فلسطینی و نیروهای رژیم صهیونیستی در «جنین» هفت فلسطینی زخمی شدند. پیشتر ده‌ها تن از شهرک‌نشینان تحت حمایت نیروهای پلیس رژیم صهیونیستی به پایگاه «ترسله» در نزدیکی شهرک «جبع» در جنوب جنین یورش بردند و شعارهایی نژادپرستانه سر دادند. صهیونیست‌ها همچنین به شهرک «غلین» در غرب رام‌الله یورش بردند و تعدادی از فلسطینیان را در معرض تحقیقات میدانی قرار دادند. در شهر قدس اشغالی نیز، شهرک‌نشینان اسرائیلی به محوطه‌های مسجدالاقصی تحت حمایت پلیس رژیم اشغالگر یورش بردند و در محوطه‌های آن اقدام به گشت‌زنی کردند. در کرانه باختری نیز تعدادی از شهروندان فلسطینی پس از تفتیش و بازرسی توسط نیروهای رژیم صهیونیستی بازداشت شدند اما مشخص نیست که این بازداشتی‌ها به کجا منتقل شدند.



## مصر ۱۰ تن از رهبران اخوان المسلمین را به حبس ابد محکوم کرد

بالاترین دادگاه مصر حکم حبس ابد (۲۵ سال) را در حق محمد بدیع رهبر اخوان المسلمین و ۹ تن دیگر از رهبران این گروه در پرونده معروف به یورش مرزهای شرقی تأیید کرد. به نوشته روزنامه مصری الاهرام، دادگاه فرجام‌خواهی حکم حبس ابد محمد بدیع و ۹ تن دیگر از رهبران اخوان المسلمین را تأیید کرد. این روزنامه افزود: متهمان دیگر پرونده علاوه بر محمد بدیع رشاد البیومی، محیی حامد، محمد سعید الکتانتی، سعد الحسینی، مصطفی طاهر الغنیمی، محمد زاتنی، حازم عبدالخالق منصور، محمد البلتاجی و ابراهیم یوسف هستند. دادگاه همچنین حکم داد شکایت کیفری علیه عصام العریان به دلیل فوتش منقضی شده است. در این پرونده دادگاه هشت تن از رهبران این گروه یعنی صبحی صالح، احمد ابو مشهور، السید حسن، حمدی حسن، احمد دیاب، احمد العجیزی، عماد شمس الدین و علی عزالدین را تبرئه کرد.

